

تحلیل بسترهای اجتماعی فرهنگی کاهش باروری در ایران*

رسول صادقی^۱

چکیده

گذار باروری در ایران با تحولات مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاستی بوده است. این مقاله با استفاده از داده‌های سطح خرد سرشماری و پیمایش نمونه‌ای، نشان می‌دهد: فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی، به عنوان مینا و پایه رفتارهای انسانی، نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای باروری دارند. فرهنگ، قواعد هنجاری و تفسیری یا معنادهی را فراهم می‌کند که افراد بسته به آنها و در انطباق با شرایط اقتصادی و اجتماعی، رفتارهای باروری خود را تنظیم می‌کنند. مقاله چنین نتیجه‌گیری می‌کند که تعامل مجموعه‌ای از نیروهای ساختی- نهادی، معنایی و فرهنگی منجر به شکل‌گیری باروری زیر سطح جانشینی در ایران شده است. از این‌رو، افزایش باروری به بالاتر از سطح جانشینی، فرایندی چندبعدی و پیچیده سیاستی است که مستلزم اتخاذ و اجرای سیاست‌های پایدار خانواده‌محور و مرتبط با مطلوبیت یا تمایل فرزندآوری، امکان یا آمادگی برای فرزندآوری، و توانایی فرزندپروری است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، قومیت، جهت‌گیری‌های ارزشی، فردگرایی، اشاعه فرهنگی و باروری زیر سطح جانشینی

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال پنجم • شماره بیستم • پاییز ۹۵ • صص ۲۴۶-۲۱۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۲/۳۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۶/۱۷

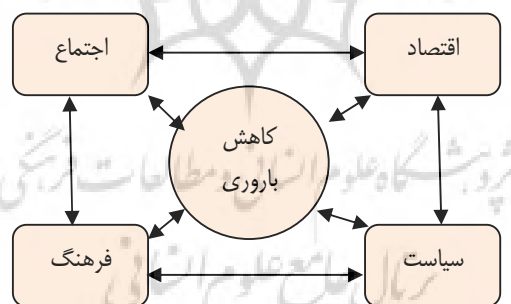
* این مقاله برگرفته از بخشی از نتایج طرح پژوهشی «تحلیل بسترها و مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی تحول جمعیت در ایران» است که در سال ۱۳۹۳ با حمایت شورای ارزیابی پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی انجام شده است.

۱. عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و محقق موسسه مطالعاتی جمعیت کشور
(rsadeghi@ut.ac.ir)

مقدمه

جمعیت و ابعاد آن، نقطه مرکزی نظام اجتماعی محسوب می‌شوند. تحولات جمعیتی، تقریباً هر جنبه‌ای از زندگی ما و جهان پیرامون ما را تحت تأثیر قرار داده، اثرات متعددی بر خرده‌نظام‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و محیطی وارد ساخته و منشأ تحولات چشمگیری در این حوزه‌ها شده است. در مقابل، خود نیز متأثر از تحولات نظام اجتماعی و فرهنگی، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه بوده است. مهم‌ترین تغییر و تحول جمعیتی ایران در چند دهه اخیر کاهش باروری بوده است. باروری به عنوان یک رفتار اجتماعی در محیط و بستر اجتماعی - فرهنگی خاصی حادث می‌شود و تنظیمات نهادی و روابط اجتماعی اعضای جامعه ارزش‌ها و هنجارهای مرتبط با آن را تنظیم می‌کند. ایران در چند دهه اخیر کاهش چشمگیر باروری را تجربه کرده است. این وضعیت سبب شده است که امروز به یکی از کشورهای با باروری زیر سطح جانشینی بپیوندد. بر اساس نتایج بررسی عباسی شوازی و همکارانش (۲۰۰۹)، گذار باروری در ایران در تمام مناطق جغرافیایی و برای همه زیرگروه‌های اجتماعی و جمعیتی صورت گرفته است. وضعیت باروری زیر سطح جانشینی، نگرانی مسئولان بلندپایه نظام را به همراه داشته است و در بند ۱ سیاست‌های کلی ابلاغی جمعیت توسط مقام معظم رهبری (۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۳) بر افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی تأکید شده است. این امر با شناخت ابعاد و بسترهای پیچیده کاهش باروری و اتخاذ و اجرای سیاست‌های جامع برای رفع موانع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فرزندآوری ممکن خواهد شد. فرایند گذار باروری در ایران متناسب با تحولاتی بوده است که در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به وقوع پیوسته است. در واقع، کاهش باروری در سازگاری نظام‌مند با تغییر در شرایط نظام اجتماعی پیرامونی یا به عبارتی انطباق با شرایط در حال تغییر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور بوده است (شکل ۱). در این میان، شرایط اقتصادی نقش مهمی داشته است. با این حال، بسترها و مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز سهمی در کاهش باروری داشته‌اند، هر چند هنوز سهم

این عوامل مشخص و بررسی نشده است. فرهنگ، مجموعه‌ای از ارزش‌هاست که اعضای یک جامعه دارند و هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند. به بیان دیگر، فرهنگ مجموعه شیوه‌های زندگی اعضای یک جامعه است (گیدنر، ۱۳۷۳). برخی فرهنگ را بخش انسان ساخته محیط می‌دانند (تریانندیس، ۱۳۸۷). بنابراین، فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی، به عنوان مبنای پایه رفتارهای انسانی، نقش مهمی در شکل‌گیری رفتارهای جمعیتی (از جمله ازدواج و باروری) دارد، هرچند تنها عامل تعیین‌کننده نیست. فرانک لریمر^۱ (۱۹۵۴) زمینه‌ها و ارزش‌های فرهنگی را محرک رفتار باروری می‌داند. کارتر^۲ (۱۹۹۸) نیز فرهنگ را زمینه و چارچوب اتخاذ تصمیمات عقلانی کنشگران در مورد رفتار باروری می‌داند. همل^۳ (۱۹۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «ارائه نظریه فرهنگ برای جمعیت‌شناسی» معتقد است: فرهنگ می‌تواند تبیین کند که چرا افراد با جوامعی که به ظاهر از نظر اقتصادی در شرایط یکسانی به سر می‌برند، ولی از نظر آداب و رسوم و زبان متفاوت هستند، در زمینه‌های جمعیتی متفاوت عمل می‌کنند. فرهنگ می‌تواند توضیح دهد چرا یک منطقه در طول زمان از نظر جمعیتی، یکسان عمل می‌کند، هرچند شرایط اقتصادی آنان تغییر می‌یابد. کاربرد فرهنگ، به عنوان مبانی تحلیل می‌تواند زمینه‌های تبیین را به سطح بالاتری ارتقا دهد.



شکل ۱. کاهش باروری در بستر خرده نظام‌های اجتماعی

1. Frank Lorimer
2. Carter
3. Hammel

بنابراین، ارزش‌ها، هنجارها و باورها، شیوه و الگوهای زندگی و کدهای رفتاری یک جامعه نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری ارزش‌ها، هنجارها و ایده‌آل‌های فرزندآوری آن جامعه دارد. به عبارت دیگر، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی نقشی اساسی در تبیین، کنترل و هدایت کنش‌ها و رفتارهای جمعیتی افراد ایفا می‌کنند. با وجود این، مطالعات اندکی در کشور به بررسی بسترها و مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی کاهش باروری پرداخته‌اند. در این راستا، مقاله پیش رو به دنبال شناخت برخی بسترها و مؤلفه‌های فرهنگی - اجتماعی کاهش باروری در ایران و نحوه تأثیرگذاری آنهاست. از این رو، دو پرسش کلیدی در این مقاله قابل طرح است: مؤلفه‌ها و بسترهای فرهنگی - اجتماعی تحول باروری در ایران کدامند؟ نحوه و سازوکار تأثیرگذاری آنها بر رفتارها و نگرش‌های باروری چگونه است؟

۱. مبانی نظری

باروری، نتیجه رفتار تولید مثل هنجاری - نیتمند افراد است. این رفتار توسط هنجارهای فرزندآوری شایع در جامعه از یک سو تجویز می‌شود و از سوی دیگر مشروط و محصور در محدودیت‌های بیرونی است. هنگامی که هنجارهای فرهنگی و محدودیت‌های بیرونی درخواست رفتارهای باروری متفاوتی دارند، کنشگران عقلانی جایگزین‌های که بیشترین پاداش و کمترین تنبیه/مجازات را برای آنها داشته باشد، را انتخاب می‌کنند (Howang & Saenz, 1997: 51). بنابراین فرهنگ، قواعد هنجاری و تفسیری یا معنادهی را فراهم می‌کند که بسته به آنها، مردم ایده‌آل‌های باروری را تعریف می‌کنند. پیوند بین فرهنگ، به مثابه یک نظام فکری یا معنایی و سازمان اجتماعی در نظم رایجی قرار دارد که تعاریفی از روابط اجتماعی و ارزیابی رفتار فردی فراهم می‌کند. روابط نسلی و بین نسلی، نظام‌های ازدواج و فرزندآوری و غیره در فرهنگ بازتاب یافته‌اند. از سوی دیگر، با فراهم آوردن ساختار اجتماعی با یک معنا، فرهنگ نیز اجتماع را مشروع می‌سازد و بنابراین آن را (باز) تولید می‌کند. این آشکارسازی و ابراز دوگانه‌نگر با چندین تعریف‌کننده یک رویکرد فرهنگی به نظریه باروری در ادبیات جمعیتی مصداق می‌یابد (Greenhal, 1989; Hammel, 1990; Lesthaeghe & Surkyn, 2002). نقش فرهنگ در تغییر باروری می‌تواند به خصوص

در این مشخصه انتقال ارزش‌ها و اطلاعات درون یک گروه به لحاظ فرهنگی مشخص باشد (Lesthaeghe, 1977).

تا دهه ۱۹۸۰ میلادی نظریه‌های با رویکرد تغییر ساختی (به ویژه نظریه کلاسیک انتقال جمعیتی و نظریه‌های اقتصادی)، پارادایم غالب در تبیین تحولات باروری محسوب می‌شدند. در این دهه، نتایج دو پروژه بزرگ، یعنی بررسی جهانی باروری و پروژه باروری اروپایی پرینستون - که پولاک و واتکینز (۱۹۹۳) آن را ارتدو کسی پرینستون می‌نامند - موجب شد برخی محققان به این نتیجه برسند که رویکردهای تغییر ساختی در تبیین کاهش باروری، هرچند مفید، اما ناکامل و ناکافی هستند و رویکرد تغییر ارزشی - فرهنگی می‌تواند مکمل خوبی برای رویکرد مذکور باشد. یافته‌های این دو پروژه، که نشان‌دهنده الگوهای متفاوت منطقه‌ای باروری است، شواهد تجربی برای نظریه تغییر ارزشی - فرهنگی فراهم می‌کند (Cleland & Wilson, 1987; Pollak & Watkins, 1993; Reed et al., 1996; Casterline, 2001).

در نظریه تغییرات ارزشی و فرهنگی، بر نقش فرایند اشاعه تأکید شده است. اشاعه را می‌توان به عنوان روندی دانست که به واسطه آن، نوآوری‌ها از یک محل، گروه اجتماعی یا افراد به دیگری انتقال و بسط می‌یابند (Retherford & Palmore, 1983: 296). اشاعه ایده‌ها، رفتارها و تکنیک‌ها اغلب از خطوطی پیروی می‌کنند که توسط نیروهای اجتماعی - فرهنگی مانند زبان، قومیت، همسایگی و محل کار یا کانال‌های ارتباطات و تبادل اطلاعات تعیین می‌شوند. مسیرهای مهاجرت، کانال‌های شبکه و خطوط نهادی شده ارتباطات در اشاعه کاهش باروری نقش زیادی داشته‌اند (برای مثال، بونگارت و واتکینز ۱۹۹۶، فریدمن ۱۹۸۷، واتکینز ۱۹۸۷، ۱۹۸۹). همچنین مفهوم اشاعه و دو مؤلفه اساسی آن یعنی نفوذ اجتماعی و یادگیری اجتماعی، بر سطوح بافتی متفاوت - بین شخصی، محلی، ملی، جهانی - دخیل در انتقال اطلاعات تمرکز دارد (Bongaarts & Watkins, 1996, Hammel, 1990; Montgomery & Casterline, 1996; Retherford & Palmore, 1983).

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی به تبیین باروری پایین در کشورهای توسعه‌یافته پرداخته‌اند. در این

مطالعات به تأخیر انداختن ازدواج و فرزندآوری، یکی از عوامل عمده این وضعیت در کشورهای پیشرفته (Bongaarts, 2002) است. دیدگاه‌های فرامادی‌گرایی پست‌مدرن نسبت به زندگی و فرزندآوری همراه با دومین گذار جمعیتی (Van de Kaa, 1998) و عدم امنیت اقتصادی (Kohler et al., 2002) به عنوان سایر مسیرهای منجر به باروری پایین شناخته شده است. همچنین ناهماهنگی سطوح برابری جنسیتی در نهادهای اجتماعی فردمحور و خانواده‌محور (McDonald, 2000) نیز یکی دیگر از محرک‌های باروری پایین است.

در ایران نیز در سال‌های اخیر مطالعات و پژوهش‌های متعددی به بررسی روند، الگوها، تعیین‌کننده‌ها و تفاوت‌های باروری پرداخته‌اند (عباسی شوازی، ۱۳۸۰؛ Abbasi-Shavazi et al., 2009). نتایج این مطالعات نشان داد: کاهش باروری در ایران در کلیه استان‌ها و مناطق شهری و روستایی صورت گرفته و علی‌رغم زمینه‌های متفاوت اقتصادی - اجتماعی، تشابهات زیادی از نظر جمعیت‌شناختی بین استان‌ها و همچنین مناطق روستایی و شهری کشور مشاهده می‌شود. این مطالعات همگرایی رفتارهای باروری در کشور را نشان می‌دهد، هرچند هنوز سطح و الگوهای متفاوتی از باروری در نقاط مختلف کشور و در میان زیرگروه‌های مختلف اجتماعی وجود دارد. برخی دیگر از مطالعات به تحلیل تفاوت‌های قومی و مذهبی باروری در ایران پرداخته‌اند (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۳؛ صادقی، ۱۳۸۳؛ عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۵؛ حسینی و عباسی شوازی، ۱۳۸۸؛ محمودیان و نوبخت، ۱۳۸۹؛ Sadeghi & Abbasi-Shavazi, 2010). این مطالعات نشان دادند: علی‌رغم همگرایی ایجاد شده در رفتار باروری، تفاوت‌های قومی باروری به دلیل نابرابری‌های توسعه‌ای وجود داشته و در آینده نیز احتمالاً وجود خواهد داشت.

مطالعات انجام گرفته در ایران در تبیین فرهنگی کاهش باروری و تغییر نگرش به فرزندآوری، بر افزایش سطح تحصیلات، استقلال زنان و برابری جنسیتی (عباسی شوازی و علی‌مندگاری ۱۳۸۹؛ Abbasi-Shavazi et al., 2009)، تغییرات فرهنگی (سکولاریسم و فردگرایی) (رستگارخالد و محمدی، ۱۳۹۴)، مشخصه‌های فرهنگی (حسینی و بگی، الف ۱۳۹۱)، استفاده از رسانه و مدیریت بدن (محمودیان و همکاران، ۱۳۹۴)، جهانی شدن فرهنگی، فناوری‌های نوین ارتباطی - ماهواره و اینترنت (عنایت و پرنیان، ۱۳۹۲)، ضرورت کیفیت فرزند و نگرانی از محیط مخاطره‌آمیز اجتماعی و فرهنگی (محمودیان و همکاران، ۱۳۸۸) تأکید داشته‌اند. بنابراین، به رغم تلاش‌های پژوهشی در تبیین فرهنگی کاهش

باروری در سال‌های اخیر، هنوز خلأهای تحقیقاتی در زمینه بسترها و مؤلفه‌های فرهنگی کاهش باروری در ایران وجود دارد.

۳. روش پژوهش

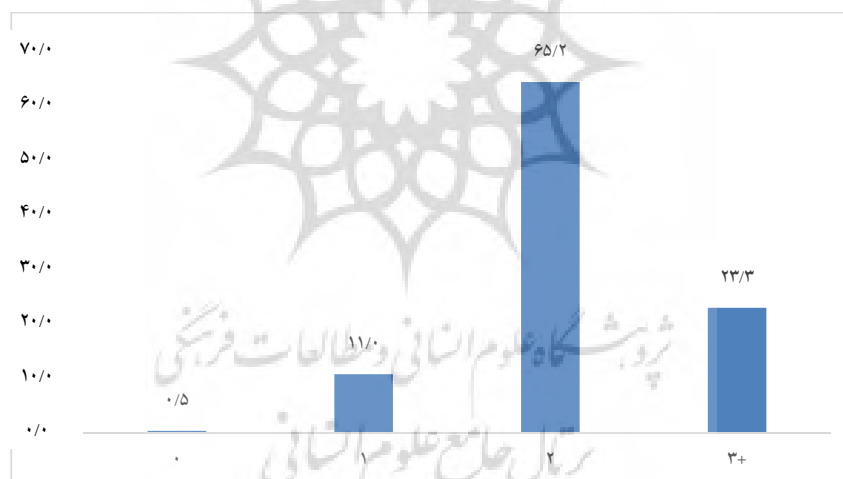
در این مقاله از منابع متعددی نظیر مرور تلفیقی مطالعات پیشین، تحلیل ثانویه داده‌های ملی نمونه دو درصدی سرشماری سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ و همچنین داده‌های جمع‌آوری شده حاصل از پیمایش نمونه‌ای در سال ۱۳۹۳ در میان ۷۲۰ نفر از جوانان متأهل شهر تهران استفاده شده است. داده‌های خرد سرشماری مبتنی بر فایل نمونه دو درصدی سرشماری است. بر اساس این داده‌ها، متوسط تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده (CEB) زنان دارای همسر ۴۹-۱۵ ساله برحسب برخی مؤلفه‌های اجتماعی برآورد شده است. تعداد نمونه مورد بررسی حدود ۲۵۰ هزار زن واجد شرایط بوده است. میانه سنی آنها ۳۳ سال، حدود ۷۰ درصد ساکن در نقاط شهری، حدود یک سوم دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر و میزان مشارکت اقتصادی آنها نیز حدود ۱۲ درصد بوده است.

داده‌های پیمایش نمونه‌ای توسط نگارنده مقاله در سال ۱۳۹۳ از جوانان ازدواج کرده (دارای همسر) ۱۵ تا ۳۰ ساله شهر تهران با هدف بررسی نگرش‌ها و ارزش‌های خانواده (ازدواج، فرزندآوری و طلاق) گردآوری شده است. در این پیمایش با استفاده از تکنیک نمونه‌گیری چندمرحله‌ای با ۷۲۰ نمونه در مناطق مختلف شهر تهران (مناطق ۱، ۲، ۵، ۶، ۹، ۱۳، ۱۵ و ۱۹) مصاحبه و پرسشنامه محقق ساخته تکمیل شد. از نمونه مورد بررسی، حدود ۴۴ درصد را مردان و ۵۶ درصد را زنان تشکیل داده است. بیشتر پاسخگویان (۷۴/۶ درصد) در گروه سنی ۳۰-۲۵ سال قرار داشتند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۷ سال (۲۸ سال برای مردان و ۲۶ سال برای زنان) بوده است. همچنین، محل تولد حدود ۶۸ درصد پاسخگویان شهر تهران، ۲۹ درصد سایر شهرها و تنها ۳/۵ درصد آنان خاستگاه روستایی داشته‌اند. از نظر تحصیلات، حدود ۴۵ درصد تحصیلات دانشگاهی، ۳۷ درصد دیپلم، ۱۴ درصد راهنمایی و متوسطه، ۳ درصد ابتدایی و تنها ۱/۳ درصد بی‌سواد بوده‌اند.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. ارزش‌ها و هنجارهای فرزندآوری در ایران

پی بردن به نظام ارزشی باروری یک جامعه ما را با ابعاد فرهنگی باروری آن جامعه آشنا می‌سازد. فرزندآوری به عنوان یک کنش اجتماعی، علاوه بر بعد رفتاری، دارای بعد نگرشی، معنایی و بین‌ذهنی است. نگرش‌های باروری افراد به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رفتار باروری محسوب می‌شود. از این‌رو، رفتارهای باروری تا حدود زیادی انعکاسی از نگرش‌ها و ایستارهای فرزندآوری است. بررسی مطالعات انجام شده در سال‌های اخیر در ایران در میان زنان ۱۵-۴۹ ساله نشان می‌دهد که به طور متوسط حدود ۶۵ درصد زنان در سنین باروری، دو فرزند را به عنوان بعد باروری مطلوب می‌دانند، ۱۱ درصد تک فرزند و ۲۳ درصد سه فرزند و بیشتر را تعداد مطلوب (دلخواه) فرزند عنوان کرده‌اند.

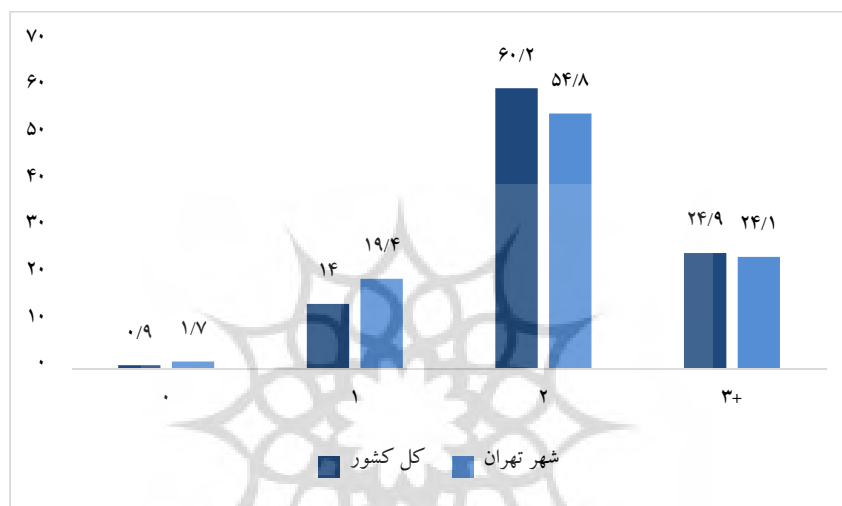


نمودار ۱. تعداد فرزندان مطلوب (دلخواه) زنان ۱۵-۴۹ ساله در ایران

منبع: پردازش بر اساس عباسی‌شواری و همکاران ۱۳۸۳؛ حسینی و عباسی‌شواری ۱۳۸۸؛ عباسی‌شواری و خواجه صالحی ۱۳۹۲؛ حسینی و بگی ۱۳۹۱؛ کاظمی‌پور و همکاران ۱۳۹۴

تعداد فرزند دلخواه جوانان پسر و دختر در ایران (کاظمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۴) و شهر تهران بیان‌گر آن است که هرچند متوسط تعداد فرزندان دلخواه (باروری مطلوب) جوانان

در شهر تهران از متوسط کشوری پایین است، حدود ۵۵ درصد جوانان تهرانی دو فرزند، ۲۰ درصد یک فرزند و ۲۴ درصد سه فرزند و بیشتر را بعد باروری مطلوب معرفی کرده‌اند. ارقام متناظر برای کل کشور، ۶۰ درصد دو فرزند، ۱۴ درصد تک‌فرزندی و ۲۵ درصد سه فرزند و بیشتر بوده است.



نمودار ۲. باروری مطلوب (تعداد فرزند دلخواه) مردان و زنان جوان در ایران و شهر تهران، ۹۴-۱۳۹۳

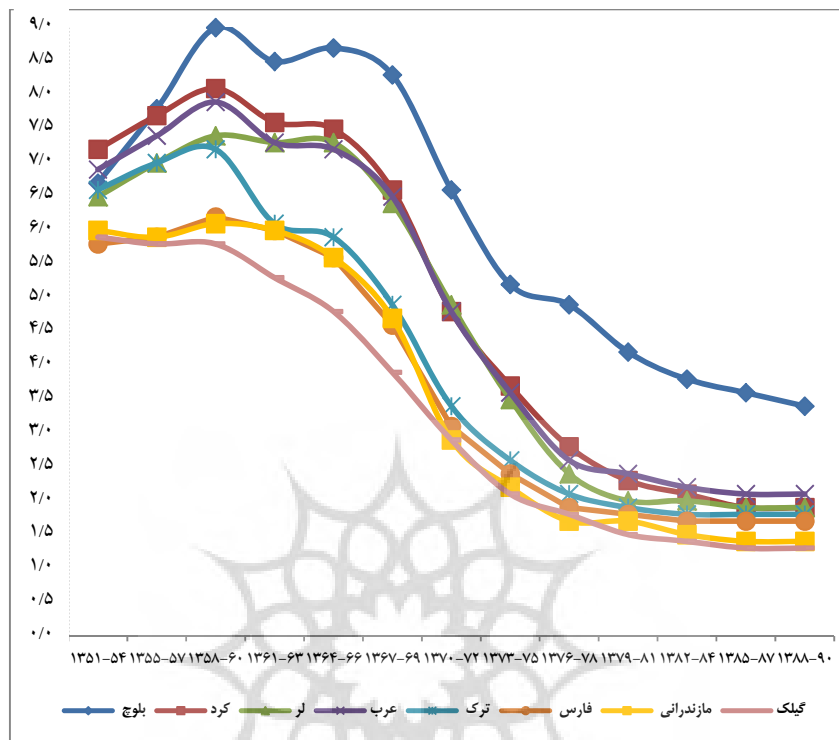
امروزه زنان در سنین باروری (۴۹-۱۵ ساله) و مردان و زنان جوان (۲۹-۱۵ ساله) اغلب دو فرزند را به عنوان تعداد مطلوب فرزندآوری خود می‌پسندند. بنابراین، هرچند تمایلات فرزندآوری و ارزش فرزند در طول زمان تغییر کرده است، فرزند در جامعه ما همچنان ارزشمند تلقی می‌شود و گذار به مادری اهمیت زیادی دارد. در حقیقت داشتن فرزند و مادر شدن، یکی از ارزش‌های غالب در ایران است و برخلاف گذشته، هویت مادری با داشتن فرزندان کمتر محقق می‌شود.

بنابراین نتایج مطالعات بیانگر ارزش و هنجار دو فرزند برای زنان ایرانی است. البته ممکن است این پرسش در ذهن شکل گیرد که اگر هنجار دو فرزند در جامعه حاکم است، چرا باروری کشور زیر سطح جانشینی (کمتر از ۲ فرزند) است. در این زمینه، شواهد پیمایشی از تعداد ایده‌آل و مطلوب فرزندان نشان می‌دهد که تعداد ایده‌آل و مطلوب

فرزندآوری بالاتر از تعداد واقعی است که زنان به دنیا می‌آورند. در این زمینه، پیتز مکدونالد (۲۰۰۰) بیان می‌کند: زنان بیشتر از تعداد فرزندان که در نهایت می‌آورند، خواهان فرزند هستند. در واقع هزینه‌های اقتصادی زندگی، بی‌اطمینانی و ماهیت نهادها و ساختارهای اجتماعی منجر به کمتر شدن تعداد فرزندان می‌شود که زنان در نهایت به دنیا می‌آورند. همچنین، همان‌طور که اینگلهارت (۱۹۹۷) گفته است، نگرش‌ها به تنهایی تعیین‌کننده رفتارها نیستند، بلکه عوامل موقعیتی نیز نقش مهم و کلیدی در به واقعیت و رفتار در آمدن نگرش‌ها و ایستارها دارند. از این‌رو، رفتار باروری نتیجه دو چیز است: نگرش و فرصت (موقعیت و شرایط). در ادامه به برخی از موقعیت‌ها و شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه که بر تغییر نگرش‌ها و رفتارهای فرزندآوری اثرگذار بوده است، می‌پردازیم.

۲-۴. تنوع قومی - فرهنگی و تفاوت‌های باروری

چندگونگی و تنوع قومی، و انعکاس آن در رفتارهای باروری در سال‌های اخیر مورد توجه مطالعات جمعیتی قرار گرفته است. تنوع قومی یک عامل بازدارنده قوی برای همگرایی جمعیت‌شناختی، به‌ویژه در جوامع متکثر به لحاظ قومی - فرهنگی نظیر ایران است. بررسی روند تحولات باروری گروه‌های مختلف قومی در ایران، بیانگر همگرایی در روند و تفاوت در سطوح است (نمودار ۳). بدین معنی که باروری تمام گروه‌های قومی از دهه ۱۳۶۰ روند کاهشی داشته است. با این حال، زمان آغاز و سرعت کاهش باروری آنها یکسان نبوده است. برای مثال، هنوز گروه‌های قومی عرب و به‌ویژه بلوچ در مرحله انتقالی هستند و باروری بالای سطح جانشینی دارند. گروه‌های قومی کرد، لر و ترک تقریباً به پایان مرحله انتقال باروری رسیده‌اند و باروریشان در سطح جانشینی است. باروری فارس‌ها، گیلک‌ها و مازندرانی‌ها زیر سطح جانشینی است.



نمودار ۳. روند تحولات باروری گروه‌های عمده قومی در ایران، ۱۳۵۱-۱۳۹۰

منبع: پردازش بر اساس عباسی‌شواری و همکاران، ۲۰۱۰؛ عباسی‌شواری و صادقی، ۱۳۸۵

در تحلیل تفاوت‌های قومی باروری بر نقش عواملی چون مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی، و هنجارهای خرده فرهنگی تأکید می‌شود. با کنترل مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی، هر چند قومیت تأثیر مستقل و معنادار خود را بر باروری حفظ می‌کند، شدت این رابطه و تأثیر آن، به میزان قابل توجهی (حدود ۶۰ درصد) کاهش پیدا می‌کند. در میان مشخصه‌ها، تحصیلات بیشترین تأثیر را در کاهش تفاوت‌های قومی باروری داشته است. دسترسی برابر گروه‌های قومی به امکانات و فرصت‌های آموزشی، کلید اصلی همانندی و همگرایی رفتارهای قومی باروری در آینده محسوب می‌شود. از این رو، وابستگی قومی و مذهبی افراد یکی از بسترهای فرهنگی تأثیرگذار بر سطوح و الگوهای باروری است و فهم و درک رفتارها و نگرش‌های باروری، نیازمند توجه به تنوع قومی و مذهبی آنهاست.

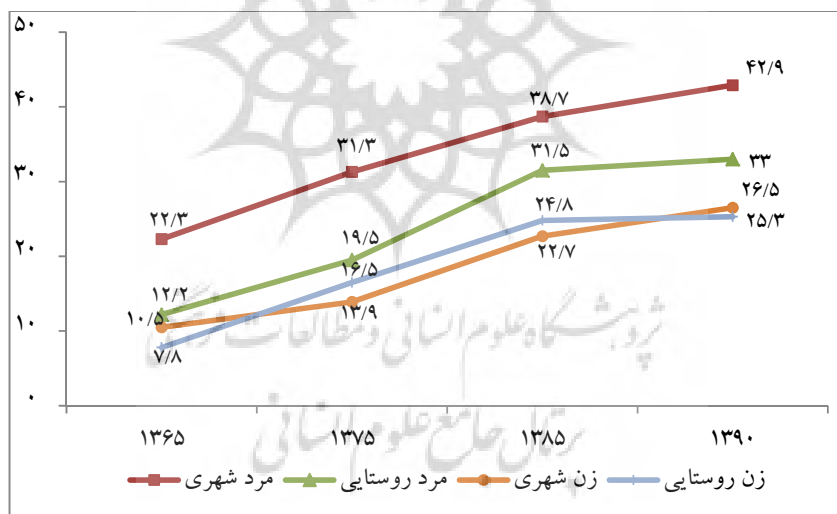
۳-۴. تحولات خانواده و کاهش باروری

خانواده، به عنوان بستر فرزندآوری در جامعه در چند دهه اخیر با تغییرات محسوسی همراه بوده است. از جمله این تغییرات، می‌توان به مواردی همچون تغییر موقعیت و جایگاه زنان و موازنه قدرت آنها با مردان، افزایش سن ازدواج، دگرگونی ارزش‌ها، تغییر نگرش نسبت به نقش‌های خانوادگی (زن، شوهر، والدین و فرزندان)، افقی شدن ساختار قدرت در ارتباط میان والدین و فرزندان، حرکت از وضعیت برتری جنسیتی به نقد جنسیتی و شکاف نسلی اشاره کرد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹). از این‌رو، در جریان گذار جمعیتی ایران، روند کلی تغییرات خانواده به لحاظ شکل به سوی خانواده هسته‌ای، به لحاظ همسرگزینی به سوی گسترش دایره اختیار پسران و دختران در انتخاب همسر، به لحاظ دوام ازدواج به سوی آسیب‌پذیری و به لحاظ فرزندآوری به سوی تقلیل باروری رفته است (سرای، ۱۳۸۷). به طور کلی، مطالعات انجام شده در ایران بیانگر تلفیق پیچیده‌ای از تغییر و تداوم در درون خانواده ایرانی است، به طوری که برخی جنبه‌ها و ابعاد خانواده بدون تغییر باقی مانده و برخی دیگر دچار تحولات زیادی شده است. تغییرات به طور عمده در سطوح فردی و داخلی خانواده (تقسیم نقش‌ها و نگرش‌های جنسیتی در این زمینه و تصمیم‌گیری درباره تعداد فرزندان) رخ داده و در سطح عمومی و بیرونی، تغییرات بسیار کند و آرام است. تغییرات بنیادی و محسوسی در معیارهای همسرگزینی، افزایش سن ازدواج و نیز کاهش چشمگیر میزان باروری طی سال‌های پس از انقلاب رخ داده است. افزایش میزان طلاق به دلیل افزایش فرصت‌های اشتغال زنان و بهبود موقعیت اقتصادی و اجتماعی آنان و نیز تغییر در روابط زوجین در درون خانواده به چشم می‌خورد، اما به دلیل وجود مجازات برای رفتارهایی نظیر هم‌خانگی و فرزندآوری پیش از ازدواج یا خارج از حیطه ازدواج، شواهدی که بر وجود چنین رفتارهایی دلالت کند، اندک است (Abbasi-Shavazi & McDonald, 2008).

مطالعات مختلفی تحولات باروری در ایران را از دریچه تحولات خانواده نگرسته و تبیین کرده‌اند. تغییر در ایستارهای مربوط به زندگی خانوادگی نقش تعیین‌کننده در کاهش باروری داشته است. در این میان، زمان ازدواج به علت ارتباط با روندهای باروری، به صورت گسترده‌ای مورد توجه جمعیت‌شناسان واقع شده است. یافته‌های مطالعه صادقی و همکاران (۱۳۸۶) در خصوص موقعیت ایده‌آل ازدواج نشان می‌دهد: حدود ۹۰ درصد

جوانان معتقدند که موقعیت ایده‌آل ازدواج برای پسران، بعد از اشتغال به کار و دارا بودن شرایط مالی مناسب است، همچنین حدود نیمی از جوانان پاسخگو مناسب‌ترین موقعیت ازدواج برای دختران را بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی و کسب استقلال اقتصادی بیان کرده‌اند که در واقع بیانگر نوعی تغییر ارزشی در جامعه و ظهور نقش‌های اجتماعی جدید برای زنان است.

محاسبه متوسط سن در اولین ازدواج نشان می‌دهد که در سه دهه اخیر متوسط سن ازدواج، به‌ویژه برای زنان همواره در حال افزایش بوده است. میانگین سن ازدواج برای زنان از ۲۰ سال به ۲۴ سال و برای مردان از ۲۴ سال به حدود ۲۸ سال افزایش یافته است. همان‌طور که نمودار ۴ نشان می‌دهد، درصد زنان و مردان ازدواج نکرده سنین ۲۵-۲۹ سال در سه دهه اخیر به‌طور سریع افزایش یافته است، برای زنان از ۹ به ۲۶ درصد و برای مردان از ۱۸ به ۴۰ درصد افزایش داشته است. به بیان دیگر، نسبت تجرد برای زنان گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله، سه برابر و برای مردان نیز بیش از دو برابر شده است.



نمودار ۴. تغییرات نسبت مجردین در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله از ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰

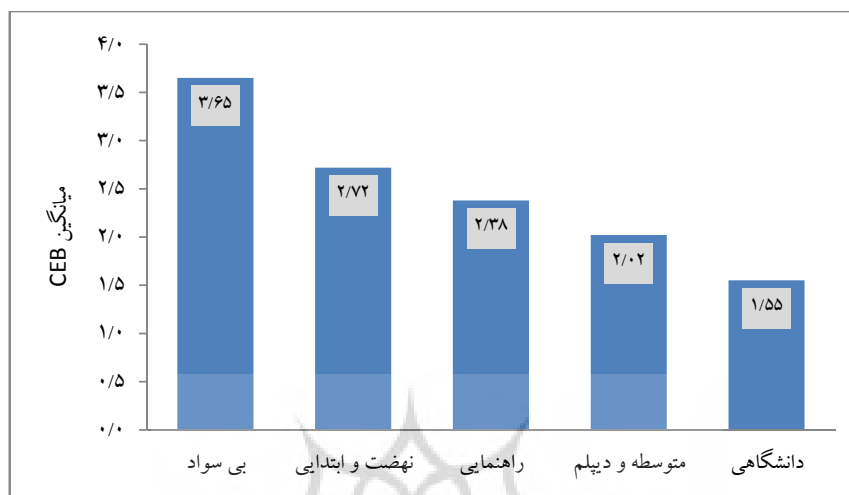
منبع: پردازش بر اساس نتایج سرشماری‌های جمعیتی ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰

تغییرات ازدواج به‌طور قابل توجهی کاهش باروری را تحت‌تأثیر قرار داده است. در

محاسبات باروری کل، شاخص اصلی باروری، تعداد موالید را به کل جمعیت زنان ۴۹-۱۵ ساله، چه مجرد و چه متأهل در نظر می‌گیرند و بر این اساس متوسط نرخ باروری برای سال ۱۳۹۰، ۱/۸ فرزند به دست می‌آید. اما اگر تعداد موالید را به جمعیت زنان ازدواج کرده ۴۹-۱۵ ساله در نظر بگیریم، میزان باروری ۳ فرزند برای هر زن است. از این‌رو، افزایش نسبت‌های مجرد و به تأخیر انداختن سن ازدواج یکی از عوامل مهم در کاهش باروری در ایران بوده است. مطالعه عباسی شوازی و همکاران (۲۰۰۹) در تجزیه تغییرات باروری نشان داد که حدود ۱۵ درصد کاهش باروری تا سال ۱۳۷۵ ناشی از تغییرات ازدواج، به‌ویژه افزایش سن ازدواج و کاهش نسبت زنان متأهل در سنین اولیه است. تأثیر افزایش سن ازدواج بر کاهش باروری در سال‌های اخیر افزایش یافته و به حدود ۳۵ درصد رسیده است.

۴-۴. تغییرات نقش و موقعیت زنان و کاهش باروری

در گذشته در بافت فرهنگی ایران ارزش زن به عنوان نقش مادری ارزیابی می‌شد و احترام، حمایت و همدردی را در خانواده و یا در جامعه بزرگ‌تر با داشتن فرزندان زیاد (به‌ویژه پسر) به دست می‌آورد. این بافت و محیط اجتماعی در چند دهه اخیر تغییر یافته است. تحولات گسترده در نقش‌های زنان موجب شده حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی و فضاها عمومی افزایش یابد و با افزایش استقلال در جنبه‌های مختلف زندگی آنان از موقعیت و پایگاهی بالاتر نسبت به دهه‌های قبل برخوردار شوند. این امر زمینه تغییرات محسوس در کنش‌های باروری (رفتار، تمایلات و ایده‌آل‌های باروری) زنان را فراهم ساخته است. باروری به طور تفکیک‌ناپذیری با نقش‌های زنان در خانواده و جامعه مرتبط است. افزایش در تحصیلات و مشارکت زنان در نیروی کار، موقعیت زنان را بهبود می‌بخشد و فرصت‌های زنان را برای کنترل منابعشان و همین‌طور تصمیم‌گیری درباره نتایج جمعیت‌شناختی مانند باروری افزایش می‌دهد (Hindin, 2000: 255). بنابراین، افزایش سطح تحصیلات، اشتغال، بهبود موقعیت و استقلال زنان از طریق کاهش منافع و افزایش هزینه‌های فرزندان (به‌ویژه هزینه فرصت)، توجه بیشتر به کیفیت فرزندان، تسریع تغییرات فرهنگی و اشاعه و پذیرش ایده‌های مدرن، زمینه و بستری برای کاهش باروری فراهم می‌کند.

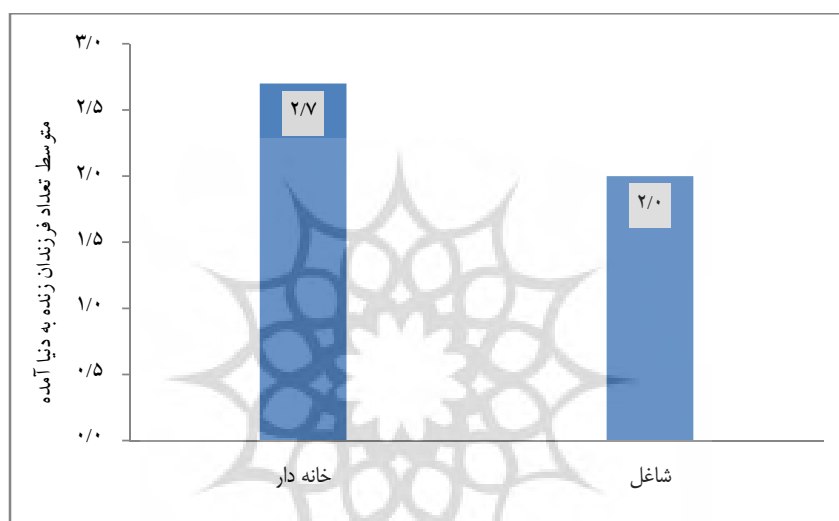


نمودار ۵. میانگین تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده (CEB) زنان ۱۵-۴۹ ساله برحسب سطح تحصیلات

منبع: پردازش بر اساس داده‌های خام نمونه دو درصدی سرشماری ۱۳۹۰ و ۱۳۸۵/ تأثیر سن کنترل شده است.

تحصیلات نقش مهمی در بسیاری از نظریه‌های گذار باروری دارد. همان‌طور که در نمودار ۵ مشخص است، با افزایش سطح تحصیلات، میانگین تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده زنان کاهش می‌یابد. به علاوه، نه تنها رفتار باروری، بلکه تمایلات فرزندآوری نیز به شدت تحت تأثیر تحصیلات است. برای مثال، نتایج پیمایش ملی باروری (کازمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۴) نشان داد که میانگین فرزندان موجود و باروری مطلوب برای زنان ۴۹-۱۵ ساله بی‌سواد ۴/۱ فرزند، ابتدایی ۳/۳ فرزند، راهنمایی ۲/۹ فرزند، متوسطه و دیپلم ۲/۷ فرزند و دانشگاهی ۲/۳ فرزند است. کول (۱۹۷۳) و کالدول (۱۹۸۲) افزایش سطح تحصیلات، به‌ویژه تحصیلات زنان را نیروی اصلی نهفته در پس‌گذار باروری می‌دانند. جی‌چو و همکارانش (۱۹۷۰) بر این باورند که تحصیلات یک شاخص مستقیم و قدرتمند از موقعیت زنان است. بنابراین، تمایل قوی برای ادامه تحصیل دختران می‌تواند بر وضعیت و موقعیت زنان در زندگی زناشویی و در نتیجه باروری پایین‌تر آنها تأثیر بگذارد. ماسون (۱۹۸۷) نیز بر این باور است که تحصیلات زنان موجب می‌شود آنها در محیط‌های خانوادگی با قشر بندی سنتی جنسیتی و حتی در نوع متعادل‌تر آن، دارای قدرت و استقلال

بیشتری باشند و این قدرت به آنها توانایی و کنترل بیشتر بر جنبه‌های زندگی و امکان بیان نظرها و ایده‌هایشان را در مورد موضوعاتی می‌دهد که خود و خانواده‌اش را متأثر می‌سازد. از سوی دیگر، تحصیلات، زنان را در معرض شبکه‌های اطلاعاتی جدید فراتر از خانواده و محیط محلی قرار داده که می‌تواند نگرش سنتی آنها را تغییر دهد و آنها را قادر سازد تا عقاید جدید را به راحتی بپذیرند (Thornton et al., 2012).



نمودار ۶. میانگین تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده (CEB) زنان ۱۵-۴۹ ساله برحسب وضعیت اشتغال زنان

منبع: پردازش بر اساس داده‌های خام نمونه دو درصدی سرشماری ۱۳۹۰ و ۱۳۸۵/ تأثیر سن کنترل شده است.

علاوه بر تحصیلات، افزایش اشتغال و مشارکت اقتصادی زنان، در صورت عدم وجود سیاست‌های حمایتی خانواده‌محور، منجر به کاهش باروری می‌شود. هرچند اثرگذاری آن به دلیل پایین بودن میزان اشتغال زنان در ایران اندک است. میزان مشارکت اقتصادی زنان در جامعه ایران هرچند پایین و کمتر از ۱۵ درصد است، اما همانطور که در نمودار ۶ مشخص است، زنان شاغل در مقایسه با هم‌تایان خانه‌دار خود از باروری پایین‌تری برخوردارند. در تبیین اثرگذاری اشتغال زنان بر باروری، مطالعات مختلف، رابطه‌ای مبهم بین وضعیت شغلی زنان و باروری نشان می‌دهند. در کشورهای صنعتی، زنان شاغل از باروری پایین‌تری نسبت به زنان غیرشاغل برخوردار بوده‌اند. این در حالی است که در

کشورهای کمتر توسعه یافته چنین رابطه‌ای ثابت نشده است (Nagda, 1992:5). بر این اساس، می‌توان گفت که اشتغال صرف زنان باعث کاهش باروری نمی‌شود، بلکه آنچه در رابطه وضعیت شغلی و باروری تعیین کننده است، نوع شغل و بخش شغلی است. اشتغال در بخش‌های مدرن اقتصاد نظیر خدمات عمومی و دولتی و صنعت، محدودکننده باروری است. برعکس، اشتغال در بخش‌های سنتی، مثل دامداری و کشاورزی نه تنها نمی‌تواند محدودکننده باروری باشد، بلکه به دلیل نیاز به نیروی کار فرزندان مشوق باروری بیشتر نیز هست. همچنین اثرگذاری اشتغال بر باروری بستگی به سیاست‌های حمایتی از زنان شاغل نیز دارد. تجربه جهانی نشان می‌دهد: در کشورهایی که سیاست‌های حمایتی خانواده برای ترکیب کار و بچه در زندگی زنان شاغل وجود نداشته باشد، اشتغال زنان اثر منفی و کاهنده بر باروری دارد، برعکس در کشورهایی که سیاست‌ها و برنامه‌های حمایتی خانواده محور وجود دارد رابطه اشتغال زنان و باروری مثبت است (Matysaik, 2009). از این رو، سیاست‌های حمایتی و ویژگی‌های متفاوت شغلی می‌تواند نتایج متفاوت و حتی متناقضی از رابطه اشتغال زنان و باروری را رقم بزند.

۴-۵. تغییرات ایده‌ای - ارزشی و ارتباط آن با کاهش باروری

بعد فرهنگی باروری بیشتر اشاره به نیروهای مختلف ارزشی، هنجاری، معنایی و تفسیری مرتبط با تولید مثل و فرزندآوری در درون نهادهای مختلف دارد. در اینجا تأکید بر نظام معنایی است که در قالب معانی هنجاری، ارزشی، تفسیری و توجیهی از شرایط و نیروها، در کلیت جامعه و گروه‌های مختلف اجتماعی و روند تعاملات آنها در جریان هستند و در موقعیت‌های اجتماعی مختلف تعریف و مورد مذاکره و توافق قرار می‌گیرند. این معانی اموراتی بین‌ذهنی در جامعه هستند و در پیوند با سایر شرایط و نیروهای اجتماعی - اقتصادی و سیاسی می‌توانند در درازمدت تحولاتی را تجربه کنند. این همان چیزی است که بعد فرهنگی جامعه را در پیوند با تولید مثل و فرزندآوری بیشتر نمایان می‌سازد. در اینجا فرهنگ همان لایه معنایی تعاملات و کنش‌های جاری در درون نهادهاست که در بسیاری موارد از سوی نهادها بر ساخته و در مواردی از سوی کنشگران، خلق و بازاندیشی می‌شود.

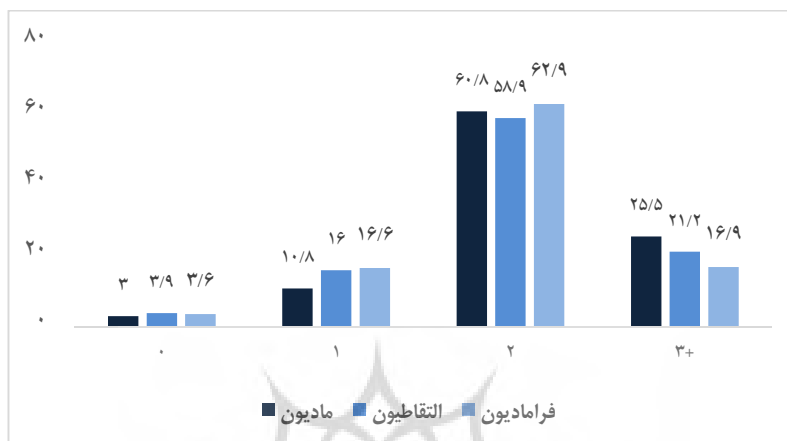
ارزش‌های فرهنگی از بنیادی‌ترین عوامل جهت‌دهنده رفتارهای باروری در هر جامعه به شمار می‌آیند. ارزش‌ها جزء اصلی سازنده هر فرهنگی به شمار می‌روند که ثبات یا تغییر آنها باعث ثبات یا تغییر فرهنگ‌ها در هر جامعه‌ای در طول زمان و مکان می‌شوند. به بیان دیگر، فرهنگ، قواعد هنجاری و تفسیری یا معنادهی را فراهم می‌کند که بسته به آنها، رفتار باروری مردم شکل می‌گیرد. نوسازی فرهنگی با ابعادی نظیر تغییرات ارزشی، فردگرایی، عرفی شدن و استفاده از رسانه‌های جمعی، رفتار باروری را تغییر داده است.

۱-۵-۴. جهت‌گیری‌های ارزشی و تمایلات فرزندآوری

تغییرات ارزشی و هنجاری پیرامون باروری و فرزندآوری را می‌توان بر اساس مدل اینگلهارت تبیین کرد. اینگلهارت (۱۹۹۰) در بحث از تغییر و دگرگونی ارزشی، تغییر از ارزش‌های مادی گرایانه به سمت اولویت‌های ارزشی فرامادی گرایانه مطرح می‌کند. وی برای تبیین این تحول ارزشی دو فرضیه مکمل هم را مطرح کرد: «فرضیه کمیابی» و «فرضیه اجتماعی شدن». فرضیه کمیابی بیان می‌کند که مردم بیشتر نگران نیازهای فوری و آنچه تهدیدشان می‌کند، هستند تا چیزهایی که دور از دسترس و غیرضروری به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر اولویت‌های ارزشی فرد بازتاب محیط اجتماعی و اقتصادی وی است. بهبود وضعیت اقتصادی و رفاهی بعد از جنگ جهانی دوم به تحول تاریخی منجر شده که در آن نیاز به احترام، رابطه با دیگران، رضایت ذهنی و زیبایی‌شناختی مهم‌تر از تلاش برای به دست آوردن غذا و امنیت شده است. در مقابل، فرضیه اجتماعی شدن بیان می‌کند که ارزش‌های فرد تا حدود زیادی انعکاس شرایطی است که در سال‌های قبل از بلوغ وی حاکم بوده است.

بر اساس فرضیه کمیابی، دوره‌های شکوفایی و رونق اقتصادی منجر به شیوع و گسترش ارزش‌های فرامادی گرایانه و دوره‌های کمیابی و رکود منجر به ارزش‌های مادی گرایانه می‌شود. فرضیه جامعه‌پذیری با تأکید بر آثار بلندمدت نسلی، وجود و گسترش ارزش‌های خاص را بازتاب اوضاع و شرایط حاکم بر نسل در دوران کودکی و نوجوانی می‌داند. طبق دیدگاه تحول ارزشی اینگلهارت، تغییر ارزش‌ها و رفتارهای باروری و فرزندآوری در جامعه می‌تواند از یک سو به تجربه نسلی و فرایند جامعه‌پذیری افراد و از سوی دیگر به شرایط جاری اقتصادی و اجتماعی برگردد. به نظر اینگلهارت، نسل جوان

بیشتر از نسل‌های گذشته (والدین) بر خواسته‌ها و ارزش‌های فرامادی تأکید دارند.



نمودار ۷. رابطه جهت‌گیری‌های ارزشی و تمایلات فرزندآوری در ایران (رنگین‌کمان، ۱۳۸۶)

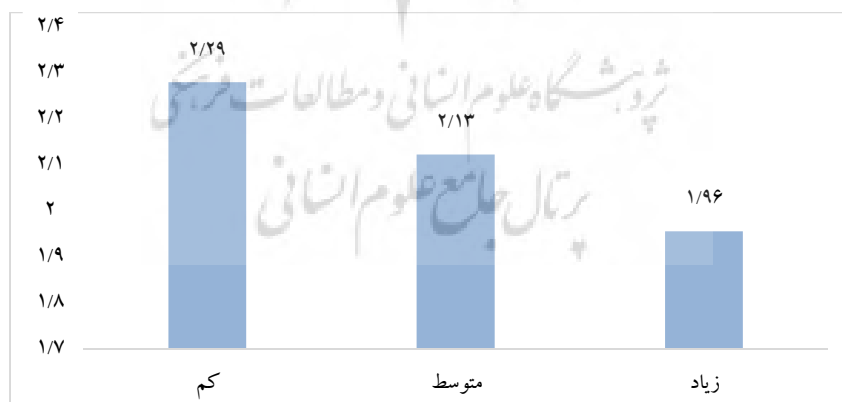
ون دکا (۱۹۹۸) در مطالعه‌ای درباره ارجحیت‌های باروری پست مدرن به بررسی تغییرات ارزشی - فرهنگی و ظهور رفتارهای جدید مرتبط با آن پرداخت. پست‌مدرنیسم یکی از مفاهیم و دیدگاه‌های عمده و تأثیرگذار قرن بیستم است که با رویکردی متفاوت از دیدگاه‌های مدرن، به پدیده‌های زندگی اجتماعی انسان‌ها می‌پردازد. ون دکا در مطالعات خود درصدد بود ارتباط این دیدگاه را با پدیده‌های جمعیت‌شناختی جوامع امروزی بررسی کند تا شاید بتواند پدیده‌های جمعیت‌شناختی و از جمله دیدگاه انتقال دوم جمعیتی را مورد کنکاش قرار دهد. وی بیش از آنکه پست‌مدرنیته را به عنوان یک دوره زمانی در نظر بگیرد، سعی دارد از آن به عنوان نوعی رویکرد و جهت‌گیری ارزشی بدانند. به همین دلیل بر اساس داده‌های بین‌المللی، به‌ویژه پیمایش ارزش‌های جهانی اینگلهارت دیدگاه‌های مدرن، مادی‌گرایی، فرامادی‌گرایی و پست‌مدرن را از هم تفکیک می‌کند و جایگاه هر یک از این جهت‌گیری‌های ارزشی را در ارتباط با پدیده فرزندآوری در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد. از نظر ون دکا، انتقال از جهت‌گیری‌های مادی‌گرایی به فرامادی‌گرایی، یکی از عناصر اساسی پست مدرن است. وی معتقد است: بین تغییر در جهت‌گیری‌های ارزشی و تغییر در روندهای جمعیتی ارتباط قوی وجود دارد. وی نشان

داد: هر چه نمره ارزش‌های فرامادی گرایبی بیشتر باشد، به همان اندازه سهم بیشتری از باروری در سنین بالای ۳۰ سال خواهد بود. از نظر وی، ظهور ارزش‌های پست‌مدرنیستی می‌تواند با بروز رفتارهای منطبق با آنچه نظریه انتقال دوم جمعیتی (از جمله باروری پایین و یا به تاخیراندازی فرزندآوری و ...) نامیده شده است، همراه باشد.

انتظار می‌رود طبق نظر تحول ارزشی اینگلهارت، فرامادیون در مقایسه با مادی‌گرایان باروری پایین‌تری داشته باشند. در این خصوص، همان‌طور که نمودار ۷ نشان می‌دهد، هر سه گروه مادیون، التقاطیون و فرامادیون، باروری مطلوب را دو فرزند اعلام کرده‌اند. با این حال، برای سه فرزند و بیشتر، مادیون بیشتر و فرامادیون کمتر از سایر گروه‌ها، تمایل به داشتن سه فرزند و بیشتر دارند. هرچه از طرف افراد با اولویت‌های مادی به سمت افراد با اولویت‌های ارزشی فرامادی می‌رویم، تمایلات فرزندآوری کاهش می‌یابد.

۲-۵-۴. فردگرایی و تمایلات فرزندآوری

با گسترش بی‌سابقه فردیت و اختیارات فردی، نظام ارزشی جامعه هم متحول می‌گردد. در فرایند تغییر ارزش‌ها، ارزش‌های جامعه محور معطوف به نیازهای اولیه به سرعت جای خود را به ارزش‌های فردمحور معطوف به نیازهای ثانویه داده است. نیازهای اخیر به طور عمده حول تحقق خویشن در صورتبندی اهداف، استقلال فردی در انتخاب وسایل، شناسایی و مقبولیت برای تحقق آنها شکل گرفته‌اند (سرایبی ۱۳۸۷؛ 2008؛ Lesthaeghe et al.).



نمودار ۸. رابطه فردگرایی و تعداد فرزندان مطلوب (دلخواه) جوانان متأهل در شهر تهران، ۱۳۹۳

تغییر ارزش‌های جمع‌گرایانه به فردگرایانه، یکی از بسترهای تحول فرهنگی کاهش باروری است. در این زمینه، همان‌طور که نمودار ۸ نشان می‌دهد، در میان جوانان متأهل شهر تهران با افزایش فردگرایی، میانگین باروری مطلوب (تعداد فرزندان دلخواه) به طور محسوسی کاهش می‌یابد. این نتیجه با نتایج مطالعه رستگارخالد و محمدی (۱۳۹۴) در بررسی رابطه تحولات فرهنگی در حوزه‌های فردی، خانوادگی و مذهبی با تغییرات نرخ باروری در مراکز استان‌های ایران، همخوانی دارد. نتایج پژوهش آنها نشان داد که فردگرایی بیشتر با نرخ‌های پایین باروری رابطه‌ای مثبت و همسو دارند. همچنین، فردگرایی بیش از سایر متغیرهای مستقل فرهنگی (سکولاریسم، دینداری و ارزش‌های خانوادگی)، تغییرات اخیر رخ داده در نرخ‌های باروری استان‌های کشور را تبیین می‌کند.

۳-۵-۴. رسانه‌ها، اشاعه ایده‌ها و تمایلات فرزندآوری

در نظام نوین جهانی، در عصر رسانه‌ها زندگی می‌کنیم؛ عصری که در آن رسانه‌های جمعی جزء جدایی‌ناپذیر زندگی ما هستند. امروزه رسانه‌های جمعی نفوذی غیرقابل انکار بر تمام عرصه‌های زندگی دارند. از نگاه کارلسون^۱ و همکاران (۲۰۰۸)، فرهنگ‌سازی از طریق رسانه به معنای انتقال محتویات فرهنگی، شامل اعتقادات، تصاویر، برداشتها و ارزش‌هایی است که بر رفتار و سبک زندگی افراد در جامعه تأثیر می‌گذارد. جیمز لال^۲ معتقد است: فرهنگ‌سازی از طریق فناوری‌های رسانه‌ای به شیوه‌ای صورت می‌پذیرد که ارزش‌ها، ایده‌ها و سبک‌های شاخص به عنوان پهنادهای فرهنگ تداوم، استمرار و تثبیت یابند و در عین حال، با توجه به برش‌های زمانی و مکانی، موجب تغییر در الگوهای مصرف و شیوه‌های ارتباطات عمومی شوند (بشیر و اسکندری، ۱۳۹۰: ۱۱).

اشاعه، به فرایندی اشاره دارد که از طریق آن، نوآوری‌ها (ایده‌ها و روش‌های جدید) در میان مناطق، گروه‌های اجتماعی، یا افراد مستقل از شرایط اقتصادی و اجتماعی گسترش می‌یابد. نقش تعامل اجتماعی در نظریه‌های اشاعه و شبکه اجتماعی همواره مورد تأکید بوده است. یونگارت و واتکینز (۱۹۹۶) با مطرح کردن ایده تعامل اجتماعی، بر این باورند که تعاملات و ارتباطات اجتماعی در گذار باروری از طریق جریان تبادل اطلاعات و

1. Carlesson

2. Lull

ایده‌ها، ارزیابی مشترک در درون بستر محلی و نفوذهای اجتماعی که محدودکننده یا تشویق‌کننده رفتار هستند، نقش مهمی دارد. مونتگومری و کاسترلین (۱۹۹۶) و کاسترلین (۲۰۰۱) از مفهوم دیگری مشابه با تعامل اجتماعی در بحث اشاعه ایده‌ها و گذار باروری استفاده کرده‌اند. این مفهوم، اثرات اجتماعی^۱ است که شامل یادگیری اجتماعی، نفوذ اجتماعی و هنجارهای اجتماعی است.

کانال‌های اشاعه و تعامل اجتماعی تاثیرگذار بر نگرش‌ها و رفتارهای تشکیل خانواده و فرزندآوری شامل یادگیری اجتماعی^۲، فشار اجتماعی^۳، تعهد و التزام ذهنی^۴ و سرایت^۵ است (Bernardi, 2003). همچنین، مدل یادگیری در شبکه‌های اجتماعی (Kohler, 1997) بر نقش و اهمیت شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای باروری تأکید دارد.

جدول ۱. میزان استفاده از رسانه‌ها و میانگین فرزندان مطلوب (دلخواه) جوانان متأهل در شهر تهران، ۱۳۹۳

میزان استفاده از رسانه	برنامه‌های تلویزیون	رادیو	روزنامه و مجلات	اینترنت	ماهواره
کم	۲/۰۳	۲/۱۵	۲/۲۷	۲/۳۰	۲/۵۲
متوسط	۲/۲۳	۲/۱۰	۲/۱۵	۲/۰۹	۲/۰۵
زیاد	۲/۲۴	۱/۸۷	۲/۰۵	۱/۹۷	۱/۹۲
F آزمون	F= ۳/۱۵۵ Sig.= ۰/۰۲۴	F= ۳/۸۱۰ Sig.= ۰/۱۰	F= ۰/۸۸۲ Sig.= ۰/۴۵۰	F= ۲/۸۷۴ Sig.= ۰/۰۳۶	F= ۱۶/۱۴۸ Sig.= ۰/۰۰۱

همان‌طور که یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهد، به غیر از تلویزیون، برای سایر رسانه‌ها، به‌ویژه اینترنت و ماهواره با افزایش میزان استفاده، میانگین باروری مطلوب (تعداد فرزندان دلخواه) کاهش می‌یابد. در این میان، اثر استفاده از روزنامه و مجلات معنادار نیست و بیشترین اثرگذاری منفی را میزان استفاده از رسانه‌های برون‌مرزی (ماهواره) دارد. در این خصوص، بررسی عنایت و پرنیان (۱۳۹۴) نشان داد که بین فناوری‌های نوین داده‌ای و ارتباطی (نظیر ماهواره و اینترنت) و استفاده از تلفن همراه و مشتقات آن با گرایش به فرزندآوری رابطه منفی و معنادار وجود دارد، در حالی که وسایل ارتباط جمعی سنتی

1. Social effects
2. Social learning
3. Social pressure
4. Subjective obligation
5. Contagion

(تلویزیون، رادیو، روزنامه و مجلات) رابطه معناداری وجود ندارد. بدین ترتیب، گسترش رسانه‌ها، سبک‌های جدید زندگی را برای افراد به همراه دارد. رسانه‌ها نقش مهمی در اشاعه ترجیحات و هنجارهای فرهنگی مرتبط با فرزندآوری پایین و مطلوبیت خانواده مدرن دارند.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

روند تحولات باروری در ایران نشان می‌دهد که طی سه دهه گذشته میزان باروری به طور چشمگیری کاهش پیدا کرده است. کاهش باروری برای تمام مناطق جغرافیایی و برای همه زیرگروه‌های اجتماعی و جمعیتی رخ داده است. به بیان دیگر، اشاعه ایده خانواده کوچک و کم فرزندآوری تمامی مرزهای متمایز اجتماعی را درنوردیده است. در نتیجه همگرایی باروری در جامعه رخ داده و وجوه باروری افتراقی کاهش یافته است. این همگرایی علی‌رغم وجود تمایزات و نابرابری‌های توسعه‌ای، بیانگر نوعی تحول فرهنگی در رفتارها و تمایلات باروری است. کاهش باروری در ایران در واقع سازگاری نظام‌مند با تغییر در شرایط نظام اجتماعی پیرامونی یا به عبارتی انطباق با شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تغییر یافته بوده است. در واقع، فرایند کاهش باروری متناسب با تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور بوده است. فرزندآوری به عنوان یک کنش اجتماعی علاوه بر بعد رفتاری، دارای ابعاد نگرشی، معنایی و بین‌ذهنی است. در این زمینه، نتایج مطالعه بیانگر ارزش و هنجار شدن دو فرزند در جامعه ایران است. البته علاوه بر تحولات ارزشی و فرهنگی، هزینه‌های اقتصادی زندگی، بی‌اطمینانی و ماهیت نهادها و ساختارهای اجتماعی منجر به کمتر شدن تعداد فرزندان می‌شود.

کنش‌ها و تصمیمات باروری افراد، نه تنها مبتنی بر ارزیابی کنشگران از شرایط حال و آینده خود برای افزایش سودمندی و رفاه خانواده اتخاذ می‌شوند، بلکه این رفتارها می‌توانند هنجاری، عاطفی و برخاسته از بافتار فرهنگی و اجتماعی یک جامعه باشند. با افزایش فرصت‌های تحصیلی در مقاطع بالاتر و فرصت‌های شغلی بیشتر برای زنان، اگرچه زوجین با فاصله بیشتری از ازدواج فرزند خود را به دنیا می‌آورند، به دلیل تأثیر و تقویت عوامل نهادی و اجتماعی حاکم بر جامعه و تأکید آنها بر نقش مادری، بی‌فرزند ماندن و حتی تک فرزند در میان زنان حمایت نمی‌شود. در نتیجه، همان‌طور که نشان داده شد، بی‌فرزند بودن مطلوب نیست. علاوه بر این، تحولات گسترده در نقش‌های زنان در جامعه

موجب شده حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و فضاهای عمومی افزایش یابد و با افزایش استقلال در جنبه‌های مختلف زندگی از موقعیت و پایگاهی بالاتر نسبت به دهه‌های قبل برخوردار شوند. این امر زمینه تغییر در کنش‌های باروری (رفتار، تمایلات و ایده‌آل‌های باروری) زنان را فراهم ساخته است. افزایش سطح تحصیلات، اشتغال، بهبود موقعیت و استقلال زنان از طریق کاهش منافع و افزایش هزینه‌های فرزندان (به‌ویژه هزینه فرصت)، توجه بیشتر به کیفیت فرزندان، تسریع تغییرات فرهنگی و اشاعه و پذیرش ایده‌های مدرن، باروری را به شدت تحت تأثیر قرار داده و به پایین‌تر از سطح جانشینی کاهش داده است.

تفاوت‌های باروری در میان زیرگروه‌های مختلف قومی و فرهنگی یکی دیگر از نتایج مقاله است. هرچند باروری همه گروه‌های قومی در ایران کاهش یافته، اما آنها سطوح و میزان‌های متفاوت باروری را تجربه می‌کنند. بخشی از این تفاوت‌ها ناشی از جایگاه‌های متفاوت توسعه‌ای و بخشی هم ناشی از خرده فرهنگ‌های قومی و مذهبی است. در کنار فضای سیاسی و اقتصادی کشور، تغییرات ارزشی و فرهنگی نیز تسهیل‌گر فرایند کاهش باروری بوده است. ارزش‌ها، نقش اساسی در تعیین، کنترل، هدایت و پیش‌بینی کنش‌های افراد ایفا می‌کنند و شیوه جهت‌گیری، کنش و تعامل آنها را تعیین و هدایت می‌کنند. نتایج مقاله نشان داد: بین تغییرات در جهت‌گیری‌های ارزشی و تغییر در روندها، الگوها و رفتارهای باروری ارتباط قوی وجود دارد. در بستر تغییرات ارزشی هرچه از اولویت‌های مادی به سمت اولویت‌های ارزشی فرامادی می‌رویم، تعداد فرزندان کمتر می‌شود. همچنین با افزایش میزان فردگرایی به عنوان سبک زندگی جدید، تمایلات فرزندآوری کاهش می‌یابد. همچنین استفاده از رسانه‌های جمعی با کاهش رفتارها و تمایلات فرزندآوری همراه است. در این میان، نقش رسانه‌های برون‌مرزی (نظیر اینترنت و ماهواره) پررنگ‌تر است؛ آنها به اشاعه ترجیحات و هنجارهای فرهنگی مرتبط با فرزندآوری پایین و مطلوبیت خانواده مدرن با ابعاد کوچک می‌پردازند.

جدول ۲. شاخص راهبردی، ابعاد و مؤلفه‌های افزایش باروری به بالاتر از سطح جانشینی

شاخص راهبردی	شاخص هدف (بعد)	شاخص عملیاتی (مؤلفه)
فراهم کردن زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی فرهنگی - افزایش باروری به بالاتر از سطح جانشینی	حمایت از خانواده	<ul style="list-style-type: none"> - اتخاذ و اجرای سیاست‌های حمایت از خانواده - اتخاذ و اجرای سیاست‌های مراقبت از فرزند - تشویق به ازدواج و تشکیل خانواده - تدوین بسته‌های تشویقی ساده، قابل اجرا و اثرگذار
	ارزش مادری	<ul style="list-style-type: none"> - ارزش قائل شدن برای نقش مادری - نقش مادری به عنوان کانون مهرورزی، محبت، عطوفت و صفا بخشی به خانواده - حمایت از مادران برای ترکیب کار و امور خانواده نظیر فرزندآوری - بیمه زنان خانه‌دار
	ارزش و مطلوبیت فرزند	<ul style="list-style-type: none"> - ارائه پیام‌های مثبت برای ارزش فرزند - پذیرش اجتماعی و فرهنگی فرزندآوری - تأکید بر ارزش‌های اجتماعی و عاطفی فرزند - توجه به کیفیت فرزندان و دغدغه‌های تربیتی آنها
	آگاه‌سازی	<ul style="list-style-type: none"> - آشنایی و یادگیری ارزش‌های خانواده و اجتماع - آشنایی و آگاه‌سازی از پیامدهای تک فرزندی
	سبک زندگی ایرانی-اسلامی	<ul style="list-style-type: none"> - پایبندی به ارزش‌ها و سنت‌های ملی - بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی و ارزش‌های ایرانی-اسلامی در فرهنگ‌سازی برای فرزندآوری - توجه به بافتار چندقومیتی جامعه ایران
	امید به آینده	<ul style="list-style-type: none"> - ایجاد امید به آینده و کاهش ناامنی اجتماعی - افزایش سرمایه و اعتماد اجتماعی

بدین ترتیب، با توجه به تمامی مباحث مطرح شده، شاهد تعامل مجموعه‌ای از نیروهای ساختی-نهادی، معنایی و تعاملی در عرصه شکل‌گیری وضعیت باروری زیر سطح جانشینی در ایران هستیم. تغییر این وضعیت و گفت‌وگو کم‌فرزندآوری، بسیار پیچیده و سخت است و مستلزم اتخاذ و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های پایدار جمعیتی در خصوص مداخله در نیروها و بسترهای مرتبط با مطلوبیت یا تمایل^۱ فرزندآوری، امکان یا آمادگی^۲ فرزندآوری، و توانایی^۳ فرزندپروری است. «مطلوبیت یا تمایل فرزندآوری» بیشتر به پذیرش اجتماعی و فرهنگی فرزندآوری می‌پردازد؛ فرزندآوری باید به عنوان یک ارزش فرهنگی قابل

1. Willingness
2. Readiness
3. Ability

پذیرش در آید. «امکان یا آمادگی» بیشتر به شرایط و بسترهای ویژه اقتصادی فرزندآوری اشاره می‌کند؛ افراد باید درک کنند که رفتار تغییر یافته به صرفه است. در نهایت، «توانایی فرزندپروری» بیشتر به شرایطی برای نگهداری و تربیت فرزندان و حمایت از آنها اشاره دارد. به بیان دیگر، باید ترتیبات نهادی وجود داشته باشد تا انتخاب رفتارهای فرزندآوری افراد را امکان‌پذیر سازد. با توجه به نتایج و یافته‌های مقاله، جهت مداخله و سیاست‌گذاری برای افزایش باروری به بالاتر از سطح جانشینی که به عنوان هدف اول در سیاست‌های کلان جمعیتی کشور ترسیم شده است، در همین ارتباط، مجموعه‌ای شاخص‌ها و مؤلفه‌ها در جدول ۲ مطرح شده است که قبل از هر گونه سیاست‌گذاری باید آنها را شناخت و ارزیابی کرد.



فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: نشر کبیر.
۲. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، تهران: انتشارات سمت.
۳. بشیر، حسن و علی اسکندری (۱۳۹۰). «فرهنگ سازی و بازنمایی نهاد خانواده در تلویزیون با توجه به سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران»، نامه پژوهش فرهنگی، سال ۱۲، شماره ۴: ۲۵-۷.
۴. تریاندیس، هری (۱۳۷۸). فرهنگ و رفتار اجتماعی، ترجمه نصرت فتی، تهران: نشر رسانش.
۵. حسینی، حاتم و بلال بگی (الف-۱۳۹۱). «فرهنگ و فرزندآوری: بررسی تمایلات باروری زنان کرد شهر مهاباد»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۸: ۱۶۱-۱۲۱.
۶. حسینی، حاتم و بلال بگی (ب-۱۳۹۱). «استقلال زنان و کنش‌های باروری در میان زنان کرد شهر مهاباد»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، شماره ۴، پیاپی ۳۹-۷۸: ۵۷.
۷. حسینی، حاتم و محمد جلال عباسی شوازی (۱۳۸۸). «تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان کرد و ترک»، پژوهش زنان، شماره ۲.
۸. رستگار خالد، امیر و میثم محمدی (۱۳۹۴). «تغییرات فرهنگی و اُفت باروری در ایران: برپایه تحلیل ثانوی داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۵۸: ۱۸۰-۱۵۹.
۹. رنگین کمان، امیر (۱۳۸۶). «تحول فرهنگی ایرانیان: تطبیق انتقادی نظریه اینگلهارت»، پژوهشنامه، شماره ۷: ۱۹۶-۱۶۱.
۱۰. سرابی، حسن (۱۳۸۷). «گذار جمعیتی دوم با نیم نگاهی به ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۶: ۱۴۰-۱۱۸.
۱۱. صادقی، رسول (۱۳۸۳). قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران.
۱۲. صادقی، رسول (۱۳۹۳). پیمایش جوانان و ارزش‌های خانواده با تأکید بر طلاق، طرح پژوهشی مرکز مطالعات راهبردی وزارت ورزش و جوانان.
۱۳. صادقی، رسول، علی محمد قدسی و جواد افشارکهن (۱۳۸۶). «واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه‌حل»، مجله علمی-پژوهشی پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۱: ۸۳-۱۰۸.
۱۴. صادقی، رسول (۱۳۸۸). جمعیت و توسعه در ایران: ابعاد و چالش‌ها، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.
۱۵. عباسی شوازی، محمد جلال و زهره خواجه صالحی (۱۳۹۲). «سنجش تأثیر استقلال، مشارکت اجتماعی، و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری (مطالعه موردی: شهر سیرجان)»، فصلنامه زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۱: ۶۴-۴۵.
۱۶. عباسی شوازی، محمد جلال و ملیحه علی مندگاری (۱۳۸۹). «تأثیر ابعاد متفاوت استقلال زنان

- بر رفتار باروری آنها در ایران»، پژوهش زنان، شماره پیاپی ۲۸: ۵۱-۳۱.
۱۷. عباسی شوازی، محمدجلال، میمنت حسینی چاوشی، پیتیر مکدونالد و بهرام دلاور (۱۳۸۳). تحولات باروری در ایران: شواهدی از چهار استان منتخب، تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
۱۸. عباسی شوازی، محمدجلال (۱۳۸۰). «همگرایی رفتارهای باروری در ایران، میزان، روند و الگوی سنی باروری در استان‌های کشور در سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۷۵»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸: ۲۳۱-۲۰۱.
۱۹. عباسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۵). «قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸: ۵۸-۲۹.
۲۰. عنایت، حلیمه و لیلا پرنیان (۱۳۹۲). «مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری»، زن و جامعه، سال چهاردهم، شماره ۲: ۱۳۶-۱۰۹.
۲۱. کاظمی‌پور، شهلا و همکاران (۱۳۹۴). بررسی نحوه نگرش جوانان در آستانه ازدواج و زنان همسر دار ۴۹-۱۵ ساله نسبت به فرزندآوری و شناخت عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر آن، طرح پژوهشی پژوهشکده آمار.
۲۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۲۳. محمودیان، حسین و رضا نوبخت (۱۳۸۹). «مذهب و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های مذهبی سنی و شیعه شهر گله‌دار استان فارس»، مسائل اجتماعی تهران (دانشگاه خوارزمی)، شماره ۱: ۲۱۵-۱۹۵.
۲۴. محمودیان، حسین، مسعود کوچانی اصفهانی و سعید مقدس (۱۳۹۴). «مصرف رسانه، مدیریت بدن و رفتار باروری، مطالعه موردی زنان معلم یاسوج»، راهبرد فرهنگ، شماره ۳۱: ۱۹۶-۱۷۳.
۲۵. محمودیان حسین، احمد محمدپور و مهدی رضایی (۱۳۸۸). «زمینه‌های کم فرزندآوری در استان کردستان: مطالعه موردی شهر سقز»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۴(۸): ۱۲۲-۸۵.
۲۶. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵-۹۰). داده‌های سطح خرد سرشماری‌های جمعیتی ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰.

ب) منابع لاتین

1. Abbasi-Shavazi, M. J. and P. McDonald (2008). "Family Change in Iran: Religion, Revolution, and the State", in R. Jayakody, A. Thornton, and W. Axinn (eds.), International Family Change: Ideational Perspectives, New York: Taylor & Francis Group, LLC: 177-198.
2. Abbasi-Shavazi, M. J., McDonald, P. and M. Hosseini Chavoshi (2009). The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction, New York: Springer.
3. Bernardi, L. (2003). "Channels of Social Influence on Reproduction", Population Research and Policy Review 22(5-6): 527-555.
4. Bongaarts J. (2002). "The End of Fertility Transition in the Developed World", Population and Development Review, 28: 419-44.

5. Bongaarts, J. and S. C. Watkins (1996). "Social Interactions and Contemporary Fertility Transitions", *Population and Development Review* 22(4): 639-682.
6. Caldwell, J. (1982). *Theory of Fertility Decline*, London: Academic Press.
7. Carter, A.T. (1998). "Cultural Models and Demographic Behavior", in Alaka M. Basu and Peter Aaby (eds.), *The Methods and Uses of Anthropological Demography*, Oxford: Clarendon Press: 246-267.
8. Casterline, J. B. (2001). "Diffusion Processes and Fertility Transition: Introduction", in National Research Council, *Diffusion Processes and Fertility Transition: Selected Perspectives*, Washington D.C: National Academy Press: 1-38.
9. Cleland, J. and C. Wilson (1987). "Demand Theories of The Fertility Transition: An Iconoclastic View", *Population Studies* 41(1): 5-30.
10. Greenhalgh, S (1988). "Fertility as Mobility: Sinic Transitions", *Population and Development Review* 14(4): 629-674.
11. Hammel, E. A. (1990). "A Theory of Culture for Demography", *Population and Development Review* 16(3): 455-485.
12. Hindin, M.J, (2000). "Women's Autonomy, Women's Status and Fertility – Related Behavior in Zimbabwe", *Population Research and Policy Review* 19: 255-282.
13. Hwang, S.S., and R. Saenz (1997). "Fertility of Chinese Immigrants in the U.S.: Testing a Fertility Emancipation Hypothesis", *Journal of Marriage and family* 59(1):50-61.
14. Inglehart, Ronald (1997). *Modernization and Post Modernization: Cultural, Economic, and Political Change in 43 Societies*, Princeton University Press.
15. Kohler, H. P. (1997). "Learning in Social Networks and Contraceptive Choice", *Demography* 34(3):369-383.
16. Kohler, H. P. (2000). "Social Interactions and Fluctuations in Birth Rates", *Population Studies* 54: 223-237.
17. Kohler, H., F. Billari, and J. A. Ortega (2002). "The Emergency of Lowest-Low Fertility in Europe during the 1990s", *Population and Development Review*, 28 (4): 641-680.
18. Lesthaeghe, R (1983). "A Century of Demographic and Cultural Change In Western Europe: An Exploration of Underlying Dimensions", *Population and Development Review* 9(3): 411-436.
19. Lesthaeghe, R. (1977). *The Decline of Belgian fertility, 1800-1970*. Princeton University Press, Princeton NJ.
20. Lesthaeghe, R and J. Surkyn, (2002). "New Forms of Household Formation in Central and Eastern Europe: Are they related to Newly Emerging Value Orientations? Interuniversity Papers in demography", Working Paper, 2002-2.
21. Lorimer, F. (Ed.) (1954). *Culture and Human Fertility*, UNESCO, New York.

22. Mason, K.O (1987). "The Impact of Women's Social Position on Fertility in Developing Countries", *Sociological Forum*, 2(4):718-754.
23. Matysiak, A (2009). "Employment First, Then Childbearing: Women's Strategy in Post-Socialist Poland", *Population studies* 63 (3):253-276.
24. McDonald, P. (2000). "Gender Equity in Theories of Fertility Transition", *Population and Development Review*, 26(3): 427-439.
25. Montgomery, M. R. and J. B. Casterline (1996). "Social Influence, Social Learning and New Models of Fertility", *Population and Development Review*, 22:151-175.
26. Nagda, B.L. (1992). *Social Correlates of Fertility*, New Delhi, Himanshu Publications.
27. Pollak. R. A. and S. C. Watkins (1993). "Cultural and Economic Approaches to Fertility: Proper Marriage Or Mesalliance?", *Population and Development Review*, 19(3): 467-496.
28. Reed, H., R. Briere and J. Casterline (eds) (1999). *The Role of Diffusion Processes in Fertility Change in Developing Countries: Report of a Workshop*, Washington D.C: National Academy Press.
29. Retherford R. D. and J. A. Palmore (1983). *Diffusion Processes Affecting Fertility Regulation*, in: Rodolfo A. Bulatao and Ronald D. Lee (eds.), *Determinants of Fertility In Developing Countries*, vol. 2. New York, Academic Press: 295-339.
30. Sadeghi, R. and M. J. Abbasi-Shavazi (2010). "Migration and Fertility: A Comparison of Fertility of Native and Migrant Women in Iran", Paper presented at the 1st Asian Population Association Conference, November 16-20, New Delhi, India.
31. Thornton, A., G. Binstock, K. M. Yount, M. J. Abbasi-Shavazi, D. Ghimire, and Y. Xie (2012). "International Fertility Change: New Data and Insights from the Developmental Idealism Framework", *Demography* 49 (2):677-698.
32. Van de Kaa (1998). "Postmodern Fertility Preferences: From Changing Value Orientation To New Behaviour", *Population and Development Review*, Vol. 27: 290-331.